



ریزش یک نظام؛ علت و مبانی

انقلاب اسلامی به رهبری مرحوم امام در بهمن ۱۳۵۷ با پیروزی خود، رژیم شاهنشاهی را ساقط کرد. دولت موقت به ریاست مرحوم مهندس بازرگان از سوی امام، دولت امام زمان نامگذاری شد؛ ولی بازرگان پس از ۹ ماه در آبان ۱۳۵۸ استعفا داد. ریاست جمهوری بنی‌صدر نیز در خرداد ۱۳۶۰ با عزل وی پایان یافت. اگر از استعفای مهندس بازرگان و عزل بنی‌صدر و گروه‌هایی چون مجاهدین و فداییان خلق و گروه‌های کرد و... که پرداختن به آنها مطالب مستقلاً را می‌طلبد... بگذریم بقیه نیروها مانند روحانیت مبارز، جامعه مدرسین، حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، دفتر تبلیغات، مؤلفه اسلامی و... همه با شهر واحدی که از چند مؤلفه تشکیل می‌شد متحداً عمل می‌کردند. این مؤلفه‌ها عبارت بود از: اصول انقلاب، قانون اساسی ثمره انقلاب، نظام جمهوری اسلامی با بنیانگذاری امام و رهبری ایشان، فرخوان برای راهپیمایی‌ها و همایش‌ها با امضای نیروهای فوق بود. همچنین فهرست انتخاباتی با توافق این نیروها تدوین و منتشر می‌شد و در معرض آرای مردم قرار می‌گرفت. از خرداد ۶۰ به بعد نظام جمهوری اسلامی به‌وسیله نیروهای فوق و مؤلفه‌های پانصدگانه در بالا، تعریف می‌شد. از این پس در «امت حزب‌الله» ریزش‌ها و انشعاب‌هایی صورت گرفته. هدف این است که با یک تحقیق و بررسی بی‌طرفانه در پی‌هم علت این ریزش‌ها چه بوده و مبانی آن کدام است؟ برای نمونه می‌توان از انشعاب در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، انشعاب در روحانیت مبارز و پیدایش مجمع روحانیون مبارز - که این انشعاب مورد تأیید مرحوم امام نیز قرار گرفت. انحلال حزب جمهوری اسلامی و پیدایش جریان ارزش‌ها به رهبری حجت‌الاسلام ری‌شهری و... نام برد. افزون بر این انشعاب‌ها اثرآزبانی از «امت حزب‌الله» ریزش کردند. انشعابی چون گنجی، سازگار و... برخی از روزنامه‌نگاران محلی اصولگرا این ریزش را به جریان اصلاح‌طلب نسبت می‌دهند. این در حالی است که خود جریان اصلاح‌طلب از درون «امت حزب‌الله» ریزش کرد. هدف دیگر از تحقیق و بررسی این است که جریان اصولگرا توضیح دهد علت این انشعاب‌ها و ریزش‌ها در «امت حزب‌الله» چه بوده است؛ اختلاف ایدئولوژیک، اختلاف سلیقه، قدرت‌طلبی، التقاط سیستمیک یا...؟ باید توضیح داده شود چرا سیدمحمد خاتمی که در سال ۱۳۶۶ جز، انشعابیون از روحانیت مبارز بود در خرداد ۱۳۷۶ بیش از ۲۰ میلیون و در خرداد ۱۳۸۰ بیش از ۲۲ میلیون رأی آورد که هر دو مورد با تنفیذ مقام رهبری همراه شد. مجموع آرای کاندیداهای اصلاح‌طلبان در دور اول انتخابات سال ۱۳۸۴ از کاندیداهای اصولگرا به مراتب بیشتر بود (معین، هاشمی، کریمی، مورعلیزاده و تاجدی قالیباف و لاریجانی). ما برآنیم با روش گفتگو با صاحب‌نظران یا گزارش‌های مختلف سیاسی به این تحقیق و بررسی ادامه دهیم. در این شماره با صاحب‌نظری گفتگو کرده‌ایم که منشأ ریزش‌ها را گذار از نسبت به مدرنیته می‌داند.

ضعف در قابلیت باز تولید

برای بررسی مسئله ریزش‌ها ابتدا باید مفهومی به نام باز تولید را بررسی کنیم: کارخانه‌ای را در نظر بگیرید، برای این که چرخ کارخانه بگردد، ابتدا باید کارگران آن گرسنه نمانند، مواد اولیه به کارخانه برسد و همچنین خود را با محیط تطبیق دهد که اگر این کار را انجام ندهد، کارخانه از بین خواهد رفت. در نهایت باید با توجه به اهدافش زایش و گسترش داشته باشد. پارسونز معتقد است هر سیستمی اگر این چهار ویژگی را نداشته باشد، از بین خواهد رفت:

- ۱- تطابق با محیط؛ ارگان، کارخانه، دولت و هر سیستمی که فکرش را کنید ابتدا باید خود را با محیط تطبیق دهد.
- ۲- رسیدن به هدف؛ این که هر سیستمی هدف داشته باشد و به آن دست یابد.
- ۳- تولید مثل؛ بتواند مثل خود را تولید کند و زایایی داشته و همراه با ابتکار و نوآوری باشد.
- ۴- تداوم و استمرار وجودی؛ که معنای دیگر آن همان تولید مثل است.

رژیمی مانند سلسله‌مین در چین این چهار ویژگی را داشت. این سلسله نزدیک به ۴۰۰ سال عمر کرد. پادشاهی انگلیس هم در حال حاضر این ویژگی‌ها را دارد، اما فرانسه پس از سلطنت بوربن‌ها این ویژگی‌ها را نداشت و در نتیجه انقلاب شد. امروزه مفهومی به نام باز تولید دو گانه وجود دارد، یعنی سیستمی خود را تولید می‌کند، ضمن این که ضد خود را هم تولید می‌کند، مانند فردی که به بیماری سرطان مبتلاست، بدن این فرد ضمن تولید سلول خود، ضد خود را هم تولید می‌کند.

هر رژیمی چند دستگاه ایدئولوژی با کارکرد آموزش و تولید ایدئولوژی دارد، مانند آموزش و پرورش، آموزش عالی، رسانه‌ها، کلیسا و...، به تدریج می‌بینیم در کشور ما هم

دوست بود. در واقع دیدگاه امام و مجمع روحانیون مبارز در مقابل دیدگاه سنتی جامعه روحانیت مبارز قرار گرفت.

ریزش به خارج هم واقعی است و وجود دارد و از هر دو سو ریزش است. اکبر گنجی به امریکارفت، ولی او مگر حرفی غیر از جمهوری ناب هم زده است! اما از آن سو هم معاون وقت وزارت دفاع ایران به اسرائیل رفته و این گونه موارد وجود دارد.

زمان جنگ برخی از افراد نیروی دریایی به امریکا می رفتند و در امریکا با همان درجه ای که داشتند از آنها استفاده می شد و با افسران ما برای عضوگیری صحبت می کردند. روزهای اولی که ارتش عراق از هم پاشیده شد، سربازها و گروهبانها دفاع می کردند و حتی یک سرباز هم حاضر نشد به امریکایی ها بپیوندد، این بسیار مهم است، اما به نظر می رسد ما چنین نظمی نداریم. زمان جنگ هم بسیاری از افراد را جذب کردند؛ از شیخ علی تهرانی تا افسر، خلبان و... که با هواپیما به عراق پناهنده می شدند، یا در آنجا می ماندند و یا به خارج از کشور می رفتند.

در این بحث باید گفت ریزش وجود دارد، ولی از کدام سمت و به کدام سمت؟ امروز از جناح راست به اصلاح طلبان و البته از اصلاح طلبان به سمت بیرون ریزش وجود دارد، این ریزشها عمدتاً به خاطر فشار جناح راست است. جناح راست معتقد است که به خارج از کشور بروند تا کاری از آنها بر نیاید و بدنام شوند. رجوی نیز معتقد است که اینها نباید در کشور بمانند و فشار سیستماتیک می آورد تا همه بروند و بی اثر شوند.

رژیم شاه به این دلیل دانشگاه ساخت تا چرخش بگردد، ولی دیدیم دانشگاه به ضد او تبدیل شد

زمان حجاب افتخار بود، اما امروز در بسیاری از جوانان نسل جدید این گونه نیست. دو سال پیش در «جامعه الصادق» که قرار است برای نظام کادر بسازد، دانشجویان با پارتمان عربی درگیر شدند. جوانان می خواهند به عرصه های مدرن برگردند، اما نظام نمی خواهد. حتی اختلاف مجمع روحانیون مبارز با جامعه روحانیت مبارز بر سر همین گذار سنت به مدرنیته بود.

هنگامی که امام سر جریان مجمع تشخیص مصلحت نظر داد، نخستین کسی که مقابل امام ایستاد، آیت الله صافی گلپایگانی و مرحوم آیت الله العظمی گلپایگانی بودند. اینها اعتقاد داشتند احکام ثابت هستند، اما امام معتقد بود که کشور را نمی شود روی هوا نگه داشت و در ارتباط با قانون کار و زمین های بایر از آقایان محمد سلامتی، سرحدی زاده و مهندس گنابادی دفاع کرد، به آقای خزعلی هم تقد کرد که چرا به سلامتی گفته کمونیست. در تمام انتخاباتها یک ائتلاف بزرگ بود که همیشه با هم شرکت می کردند، اما این بار جناح راست آقای عبدالله نوری را نپذیرفت و از جناح چپ هم آقای زواره ای را نپذیرفتند. آقای زواره ای با جلیل سعدی اصفهانی که ساواکی و متخصص انفجارات بود، از دوره دانشکده حقوق

دانشگاه و هم حوزه علمیه ای به وجود آمده که اگر چه بنا بود قاتق نان شود، اما قاتل جان نظام سنتی شده و حالتی دو گانه پدید آمده است. البته حوزه مقداری هم قاتق نان شد، اما قاتل جان هم شده. به چه علت باز تولید دو گانه شکل می گیرد و علت آن چیست؟

بازمان حرکت کردن و به روز بودن، اهمیت زیادی دارد. در رژیمی که ساختارهای حقیقی و حقوقی آن هماهنگ نباشند و ساختار حقوقی نسبت به حقیقی پس افتادگی داشته باشد، این مشکل به وجود می آید. رژیم شاه به این دلیل دانشگاه ساخت تا چرخش بگردد، ولی دیدیم دانشگاه به ضد او تبدیل شد. می گویند سرمایه داری با دست خود، گور خود را می کند، سرمایه داران به کارگران خود سازمان می دهند که سندیکا داشته باشند، اما سرانجام احزاب کارگری با احزاب کارفرمایی درمی افتند، به این معنا که کارگران هم کار می کنند و هم قاتل جان کارفرمایان می شوند. نظام ما خود را بین سنت و مدرنیته گم کرده و در این گذار مشکل دارد، به نظر می رسد مبنای نظری ریزش هم همین است. در این پروسه (پروسه سنت و مدرنیته) این ریزشها حتمی است. نظام حالتی بسته دارد و می خواهد با صد او سیما که در اختیار خودش است مردم را توجیه کند، اما بخشی از مردم به سراغ ماهواره می روند و یا قصدی که بارائه دو واحد معارف دینی در دانشگاه دارد، با استقبال روبه رو نمی شود. اکنون کلاس درس عربی برای دانش آموزان بدترین درس است، در صورتی که پیش از انقلاب این گونه نبود و محصلان بیرون از مدرسه هم با اشتیاق عربی می خواندند. آن

بحران دموکراسی در مجلس اول

(خاطرات و نامه های خصوصی میرزا فضلعلی آقا تبریزی)

گردآوری: غلامحسین میرزا صالح

نشر نگاه معاصر، چاپ اول ۱۳۸۷

قیمت: ۳۰۰۰ تومان، تلفن تماس: ۰۲۱-۲۲۴۴۸۴۱۹

